

چالش قهر و مهر در قرآن و روان‌شناسی

محمد کاویانی^۱ / سیده زهره موسوی^۲

چکیده

در این پژوهش، دو مفهوم از روان‌شناسی اجتماعی، یعنی رفتار حمایتی و پرخاشگری را به اختصار معرفی کرده و سپس به ارزش‌یابی آنها از دیدگاه قرآن پرداخته‌ایم. نتایج این پژوهش موضوع محور عبارت است از:

الف) اصل اولیه بر رفتار حمایتی است و پرخاشگری به هنگام ضرورت، انجام می‌شود؛

ب) رفتار حمایتی به سه شکل مالی، عاطفی و رفتاری صورت می‌گیرد؛ ج) تنها هنگامی از رفتار حمایتی نهی می‌شود که اولاً، سبب تقویت دشمنان و دشمنی آنها با اسلام بشود؛ ثانیاً، به تقویت صفات منفی مانند تنبلی و احساس ذلت بینجامد؛

د) پرخاشگری، نه قابل نفی مطلق و نه قابل دفاع مطلق است؛ ه) همواره در طول زندگی بشر، پرخاشگری وجود داشته است؛ و) هدف از پرخاشگری، باید معقول و در جهت اصلاح فرد و جامعه باشد؛

ز) نوع پرخاشگری باید با هدف مورد نظر سازگار باشد؛

ح) قرآن، به شیوه‌های گوناگون پرخاشگری (عملی و کلامی) پرداخته است.

کلید واژه: روان‌شناسی اجتماعی، پرخاشگری، رفتار حمایتی، قرآن کریم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه اصفهان و عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

^۲ دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه اصفهان.

رفتارهای حمایتی (حمایت اجتماعی)

۱. تعریف رفتار حمایتی

رفتار حمایتی، رفتاری است که به قصد سود رساندن به دیگران انجام می‌شود، ولی برای عامل، سود آشکاری دربر ندارد. روان‌شناسان اجتماعی، عوامل ایجاد یا منع رفتار امدادگرانه را بررسی کرده و از آن، با عنوان‌هایی مانند رفتار حمایت اجتماعی،^۱ امداد،^۲ نوع دوستی،^۳ یا رفتار خیرخواهانه^۴ یاد کرده‌اند. بیشتر پژوهش‌ها در این زمینه، به موقعیت‌های اضطراری مربوط است. (دونلسون و دیگران، ۱۹۹۴)

این پژوهش‌ها در دهه ۱۹۶۰م. شروع شد. نقطه شروع، حادثه تأسف باری بود که برای خانم کاترین کُوس^۵ در خیابان رخ داد. او مورد حمله مردی کارد به دست قرار گرفت و زخمی شد. او پیوسته کمک می‌خواست و فریاد می‌کشید. با روشن شدن چراغ‌های آپارتمان‌های اطراف، مهاجم اندکی عقب‌نشینی کرد، ولی دوباره برگشت. این کشمکش ۴۵ دقیقه ادامه یافت و با اینکه بعدها معلوم شد ۳۸ نفر نظاره‌گر این ماجرا بوده‌اند، ولی نه تنها هیچ کس به کمک آن زن نیامد، بلکه هیچ کس حتی زحمت زنگ زدن به پلیس را نیز به خود نداد و سرانجام، زن با ضربات کارد آن مرد کشته شد.

از این رو، این پرسش مطرح شد که چرا هیچ کس به کمک آن زن نیامد. آیا به خاطر بی‌عاطفگی یا بی‌تفاوتی نسبت به مشکلات دیگران بوده است یا به دلیل بیماری اجتماع و نظام اجتماعی؟ دو پژوهشگر به نام‌های دارلی^۶ و لاتانه^۷ (۱۹۷۲م.) به این موضوع پرداختند.

۲. مراحل بروز رفتار حمایتی

برای اینکه بیننده یک صحنه اضطراری بتواند تصمیم بگیرد، باید مراحل زیر را طی کند (دونلسون و دیگران، ۱۹۹۴):

مرحله اول - توجه به موقعیت اضطراری؛ در بسیاری از موارد، ما به دلیل توجه به امور شخصی، گویا اساساً چشم و گوش خود را بر روی امور مربوط به دیگران، هرچند در موقعیت‌های اضطراری می‌بندیم. لاتانه و دارلی (۱۹۷۲م) در این زمینه، آزمایشی انجام دادند. آنان تعدادی دانشجو را برای سخنرانی درباره نیکوکاری دعوت کردند. سپس آنها را به سه صورت از برنامه آگاه کردند؛ به برخی گفتند مقداری وقت دارید. برخی دیگر گفتند:

¹ 6. prosocial behavior.

² 7. helping behavior.

³ 8. altruism.

⁴ 9. charitable.

⁵ 10. Catherine Cenovese.

⁶ 11. Darely, J.

⁷ 12. Cathrine Cenovese.

اگر هم‌اکنون حرکت کنید، سر وقت می‌رسید. به گروه سوم نیز گفتند اندکی دیر شده است و کمی با تأخیر می‌رسید. آن‌گاه در مسیر آنها یک موقعیت اضطراری ساختگی را قرار دادند؛ کسی خود را به زمین انداخته بود و آه و ناله می‌کرد. نتیجه این شد که از گروه اول ۶۳٪، از گروه دوم ۴۵٪ و از گروه سوم، تنها ۱۵٪ به کمک آن فرد شتافتند. نمودار شماره (۶) نتایج را به خوبی نشان می‌دهد.

نمودار (۱) - موقعیت اضطراری و رفتار حمایتی، هم‌بستگی منفی دارند.

مرحله دوم - اطمینان به اضطراری بودن موقعیت؛ ما معمولاً دوست داریم رفتار دیگران را به آسان‌ترین و محتمل‌ترین وجه برداشت کنیم. درباره کسی که به سرعت می‌دود، می‌گوییم شاید عجله دارد تا به اتوبوس برسد، یا ورزش می‌کند، ولی احتمال تعقیب دزدی که کیف او را ربوده است، آخرین احتمالی است که به ذهن می‌آید. شاید افراد به اطلاعاتی، بیشتر اهمیت می‌دهند که بر اساس آن، لازم نباشد کاری انجام دهند.

مرحله سوم - احساس مسئولیت در مورد امدادگری؛ در بسیاری از موارد، همانند آتش‌سوزی یا تصادف، مسئولیت‌ها تقسیم کار شده است، ولی گاهی چنین نیست. در اینجا معمولاً کسی را مسئول می‌دانیم که رهبری کار را به عهده گرفته است. برای مثال، اگر در کلاس درس باشد، معلم و اگر در اتوبوس باشد، راننده و اگر در مهدکودک باشد، مربیان را مسئول می‌دانیم.

مرحله چهارم - داشتن مهارت و توانایی کافی در انجام دادن امداد؛ بعضی موقعیت‌ها، کاری ساده است و هر کس می‌تواند به انجام رساند؛ مانند عبور دادن یک پیرمرد از خیابان و... ولی اگر کسی را در حال غرق شدن ببینیم، تنها زمانی اقدام می‌کنیم که شنا بلد باشیم و توان نجات او را نیز داشته باشیم.

مرحله پنجم - تصمیم‌گیری نهایی برای امداد؛ مراحل گذشته کافی نیست؛ زیرا چه بسا موانعی در کار باشد؛ برای مثال، فرد بترسد اگر شخص آسیب‌دیده‌ای از تصادف را به بیمارستان برساند، خودش را مسئول تصادف بداند. (دونلسون و دیگران، ۱۹۹۴)

۳. تبیین‌های نظری درباره خودداری از رفتار حمایتی

الف) نظریه ماهیت شهرنشینی: چرا در ماجرای خانم کاترین کنوویس، هیچ کس کمک نکرد؟ برخی این بی‌تفاوتی را به زندگی شهرنشینی نسبت می‌دهند و به پژوهش‌هایی نیز استناد می‌کنند؛ برای مثال، میلگرام^۱ (۱۹۷۰م.) معتقد است رفتار امدادگری برای دیگران، در روستاها بیشتر از شهرهاست. آماتو^۲ (۱۹۸۳م.) نیز با ۱۸۰ دانشجوی از پنجکشور مختلف درباره تفاوت رفتار حمایتی در شهرهای کوچک و بزرگ مصاحبه کرد و معلوم شد که همه آنان، احتمال رفتار حمایتی در شهرهای کوچک را بیشتر از شهرهای بزرگ می‌دانند، ولی پژوهش‌های

¹ 13. Milgram, S.

² 14. Amato, P.R.

لاتانه و دارلی (۱۹۷۰م). این مطلب را تأیید نکرد، بلکه آنان علت‌های دیگری را مطرح کردند؛ برای مثال، نخست فرد، دقت می‌کند ببیند شخص زمین خورده، مست است یا معتاد، یا ناتوانی و معلولیت جسمانی دارد و سپس به کمک کردن یا نکردن تصمیم می‌گیرد.

ب) نظریه پخش مسئولیت: افزون بر این، لاتانه و دارلی (۱۹۷۰م). نظریه «پخش مسئولیت»^۱ را نیز مطرح می‌کنند. اگر برای مثال، n نفر ناظر یک موقعیت اضطراری باشند، هر کدام از آنها مسئولیت خود را تنها در حد n می‌دانند. از این رو، هرچه تعداد ناظران افزایش یابد، رفتار حمایتی کاهش می‌یابد.

البته در جامعه اسلامی اگر فرهنگ اصیل اسلامی جاری باشد، نظریه پخش مسئولیت مصداق پیدا نمی‌کند؛ چون در اسلام، هر کار ضروری مادامی که انجام نشده است بر دوش همه سنگینی می‌کند، همه مسئولیت دارند و به عبارت فقهی «واجب کفایی» است، یعنی هرگاه یک نفر انجام داد از عهده بقیه هم ساقط می‌شود، اما تا انجام نشده است همه مؤظف به انجام آن هستند.

سنیکر^۲ و هندریک^۳ (۱۹۸۳) در آزمونی، از آزمودنی‌ها خواستند که از طریق شبکه‌مدارسته صوتی با دانشجویان دیگر گفت‌وگو کنند. بعضی خیال می‌کردند مخاطبانشان چند نفرند و بعضی گمان می‌کردند یک نفر است. ناگهان، آزمودنی در هنگام صحبت، آه و ناله‌ای می‌شنید و کلام از آن طرف قطع می‌شد. آزمودنی‌هایی که مخاطب خود را تنها می‌پنداشتند، به زودی خود را به مخاطب می‌رساندند تا به او کمک کنند، ولی آنها که مخاطبان را چند نفر می‌پنداشتند، لازم نمی‌دیدند که به کمک بشتابند. (به نقل از: برکوتیز، ۱۳۷۲ ه. ش)

ج) نظریه غفلت جمعی: نظریه پخش مسئولیت به موقعیت بدون ابهام مربوط بود، ولی پژوهشگران برای موقعیت مبهم، نظریه «غفلت جمعی»^۴ را مطرح کرده‌اند. این نظریه به ارزیابی فرد از موقعیت و فرد نیازمند و استحقاق او برای دریافت کمک مربوط می‌شود. سال‌خورده‌گان، زنان، بیماران، بیش از دیگران کمک دریافت می‌کنند، ولی کسانی مانند معتادان و مست‌ها که به خاطر کوتاهی خود نیازمند کمک شده‌اند، کمتر مورد توجه واقع می‌شوند.

۴. ویژگی‌های حمایت‌کنندگان

تفاوت‌های فردی کمک‌کنندگان نیز تأثیرگذار است. میزان «همدلی»^۵ افراد متفاوت است. برخی، از ناراحتی دیگران به شدت ناراحت می‌شوند و آن را ناراحتی خود می‌دانند و برخی هرگز اندوهگین نمی‌شوند. نگران شدن از ناراحتی دیگران، حالتی عاطفی است که در کودکان ۱۲ ماهه (بارون و بایرن به نقل از: برادرز،^۶ ۱۹۹۰م.) و حتی در

¹15. diffusion of responsibility.

²16. Senneker.

³17. endrickH.

⁴18. Pluralistic Ignorance.

⁵19. Empathy.

⁶20. Brothers L.

میمون‌ها و بوزینه‌ها (آن‌گرر^۱ و همکاران) نیز یافت می‌شود.

افراد همدلی کننده، سه ویژگی دارند: ۱. نگران نیاز دیگران هستند؛ ۲. با دیگران اشتراک نظر دارند و می‌توانند خود را به جای دیگران بگذارند؛ ۳. احساسات همدلانه خود را از طریق رفتارهایی مانند گریه در موقعیت‌های غم‌انگیز بروز می‌دهند. (مالیم، به نقل از: آیزنبرگ و همکاران، ۱۹۹۱م). زنان، همدلی بیشتری با دیگران دارند. (فلدمن و دیگران، ۱۹۸۵م).

۵. مؤلفه‌های پنج‌گانه شخصیت نوع دوست

یک - همدلی بخش مهمی از خودپنداره این نوع افراد است. آنان خود را مسئول می‌دانند و خودکنترلی^۲ نیرومندی دارند؛

دو - بیشترشان معتقدند پاداش کار خوب در دنیا داده می‌شود و از دید آنها نظام جهان، عادلانه و قابل پیش‌بینی است؛

سه - خود را دارای مسئولیت اجتماعی معرفی می‌کنند؛

چهار - خود را دارای «منبع مهار درونی»^۳ و متفاوت با بعضی افراد دیگر می‌دانند؛

پنج - کمتر خودمحور و کمتر رقابت‌جو هستند.

این پنج متغیر، همان‌هایی است که در دهه ۴۰ در اروپایان یافت می‌شد و سبب می‌گردید تا افرادی را از آزار نازی‌ها نجات دهند. (اولینز^۴ و اولینز^۵، ۱۹۸۸، به نقل از: دونلسون)

۶. نقش الگوهای اجتماعی در رفتار حمایتی

رفتار افراد در موقعیت‌های امدادی، دارای یک سری هنجارهای اجتماعی است. برین^۶ و تست^۷ (۱۹۶۷م). در این باره یک آزمایش میدانی انجام دادند. در یک جاده، مردیایستاده و در حال کمک کردن به زنی است که خودرواش پنچر شده است با فاصله نه‌چندان زیاد، زنی با خودرو پنچر شده‌اش ایستاده و کمک می‌خواهد، کسانی که صحنه قبل را دیده‌اند، این هنجار اجتماعی در آنها تقویت شده و برای کمک به زن دوم، بیشتر از کسانی که این صحنه را ندیده‌اند اقدام می‌کنند.

¹21. Ungrer J.A. etal.

²22. Self _ Control.

³23. Internal Locus of control.

⁴24. Oliner P.M.

⁵25. P.Oliner S.

⁶26. Bryan J.H.

⁷27. Test M.A.

گاهی با نمایش‌های تلویزیونی این هنجارها را تقویت کرده و در نتیجه، باعث بیشتر شدن رفتارهای حمایتی شده‌اند. فورگ^۱ و فمیستر^۲ (۱۹۸۷م.) به دو دسته کودک ۶ساله، دو فیلم نمایش دادند. در یکی، الگوی رفتار حمایتی و در دیگری الگوی عدم رفتار حمایتی به نمایش گذاشته شد. سپس هر دو گروه مشغول بازی و نوعی مسابقه شدند. در بین بازی، توله‌سگ‌هایی را به میان آنها فرستادند که احتیاج به کمک داشتند. کودکان دسته اول کمک کردند و کودکان دسته دوم کمک نکردند. (نقل از: بارون و بایرن)

۷. رفتار حمایتی در قرآن

معمولاً روان‌شناسی اجتماعی امروز، به تعیین ارزش‌ها نمی‌پردازد، بلکه رفتار افراد را در جامعه و به‌ویژه در گروه توصیف می‌کند. در زمینه رفتار حمایتی نیز این سخن صادق است. روان‌شناسی اجتماعی می‌گوید که رفتار حمایتی در چه افرادی وجود دارد یا ندارد؛ برای اجرای یک رفتار حمایتی، چه مراحل باید طی شود؛ کدام تبیین نظری در این موضوع با واقعیت‌های بیرونی سازگارتر است و

اما از قرآن انتظار می‌رود که به ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها بپردازد و بیان کند که رفتار حمایتی در کجا لازم است و در کجا لازم نیست؛ چه مقدار از آن الزامی و چه مقدار ترجیحی است و

آموزه‌های اسلام در این زمینه، از نوع بایدهاست. به بیان دیگر، رفتارهای حمایتی از هیچ کس و در هیچ شرایطی دریغ نمی‌شود، مگر در جایی که باعث تقویت دشمنان دین و دشمنی آنان با دین شود یا پی‌آمدهایی منفی مانند تحقیر فرد یا تنبلی او را در پی داشته باشد. در این صورت، رفتار حمایتی ممنوع است. در غیر این صورت، بسیار شایسته است و به صورت‌های مختلف الزامی و ترجیحی بیان شده و با عنوان‌هایی مانند مواسات، احسان، تألیف قلوب، ادای تکالیف مالی و... از آنها یاد شده است. ما در ادامه، نخست به افراد حمایت‌شونده می‌پردازیم و سپس با توضیح انواع حمایت‌های مالی و عاطفی و رفتاری، هر کدام را به اختصار بررسی می‌کنیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
انفراد و گروه‌های حمایت‌شونده
رتال جامع علوم انسانی

رفتار حمایتی‌حمایت‌های مالی

انواع مختلف حمایت‌های عاطفی

حمایت‌های رفتاری

نمودار (۲) - رفتار حمایتی در نظام مفهومی اسلام

الف) افراد و گروه‌های حمایت‌شونده: با نگاهی اجمالی، رویکرد قرآن را به این موضوع درمی‌یابیم. درخواست‌کننده‌ها و محرومان،^۳ بستگان، یتیمان، مسکینان، در راه‌ماندگان و اسیران^۱ از افرادی هستند که بسیار به

¹28. Forge, K.L.

²۲۹. Phemister, s.

³ وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِلضَّالِّينَ وَ الْمَخْرُومِ. ذاریات: ۱۹

آنها سفارش شده است. حمایت از زنان و مردان و فرزندان ستم کشیده‌ای که مورد ظلم واقع شده‌اند، لازم است.^۲ سرمایه‌داران نباید از دادن مال به خویشاوندان و تهی‌دستان و مهاجران در راه خدا دریغ ورزند.^۳ اگر بدهکاری، تنگ‌دست باشد، باید تا زمان فراخ‌دستی، به او مهلت داد و اگر به راستی قدرت پرداخت ندارد، بهتر است به او بخشیده شود.^۴

اگر در کنار این سفارش‌ها، به حقوق متقابل والدین و فرزندان،^۵ همسران و برادری تمام مؤمنان^۶ و رابطه‌ای که میان برادران ترسیم می‌شود، توجه کنیم، اطمینان می‌یابیم که در این نظام مفهومی، هیچ نیازمندی فراموش نشده است. البته حمایت‌ها، همه از یک نوع نیست؛ یعنی این گونه نیست که تنها به حمایت مالی بسنده شود و از حمایت‌های عاطفی یا رفتاری غفلت گردد؛ به ویژه با تأکیدی که اسلام بر خویشاوندان و رفع نیازمندی‌های آنان دارد و اولویت‌بندی‌هایی که بین آنان قرار داده است باعث می‌شود بستگان نزدیک، بستگان رده دوم و سوم و همسایگان و دیگران، هر کدام به نوبه خود مورد توجه و حمایت قرار بگیرند.

(ب) حمایت‌های مالی: بیشترین آیات درباره حمایت، از نوع حمایت‌های مالی است. لازم است از افراد و گروه‌های یاد شده حمایت‌های مالی شود. قرآن نه تنها بر این حمایت‌ها تأکید دارد، بلکه حمایت‌های غیر الزامی را نیز بارها سفارش می‌کند. یکی از ویژگی‌های متقیان این است که در اموال خودشان، حق معینی را برای درخواست‌کنندگان و محرومان قرار می‌دهند.^۷ خداوند این نوع حمایت‌ها را نوعی قرض دادن به خدا معرفی می‌کند و اعلان عمومی می‌کند که چه کسی است تا به خدا قرض الحسنه بدهد و از خداوند چند برابر آن را بازستاند.^۸ در جای دیگر، آن را به دانه‌ای تشبیه می‌کند که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه صد دانه باشد.^۹ همچنین در مواردی نیز، بخل ورزیدن را نکوهش می‌کند و می‌گوید کسانی که بخل می‌ورزند، هرگز تصور نکنند که این به سود آنهاست، بلکه به زیان آنهاست و به زودی در روز

۱. وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ. بقره: ۱۷۷

۲. وَ مَا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوُلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَوْلَهَا. نساء: ۷۵

۳. وَ لَا يَأْتَلِ أُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَ السَّعَةِ أَنْ يُوتُوا أُولَى الْقُرْبَىٰ وَ الْمَسَاكِينَ وَ الْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ... نور: ۲۳

۴. وَ إِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَ أَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ. بقره: ۲۸۰

۵. وَ يَأْتُوا الَّذِينَ إِحْسَانًا. بقره: ۸۳ و (نساء: ۳۶)

۶. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ... حجرات: ۱۰

۷. وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَ الْمُحْرَمِ. ذاریات: ۱۹

۸. مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً... بقره: ۲۴۵

۹. مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةً. بقره: ۲۶۱

قیامت، آنچه که به آن بخل ورزیده‌اند، غل و زنجیر گردنشان می‌شود.^۱ اموری مانند ارث، وصیت،^۲ وقف، قرض دادن و... نیز در چارچوب حمایت‌های مالی جای دارند.

ج) حمایت‌های عاطفی: تمام حمایت‌های مالی، به همراه حمایت‌های عاطفی است. فرد حمایت کننده، به عنوان وظیفه الهی و معامله با خداوند حمایت می‌کند و نه تنها هیچ احساس منفی نسبت به حمایت شونده ندارد، بلکه معمولاً این حمایت همراه با احساسی مثبت و علاقه‌مندی به اوست. همواره بر ناشناس ماندن حمایت کننده سفارش شده است؛ مگر در آنجا که معرفی شدن آنان باعث تشویق و ترغیب دیگران شود؛ زیرا این مسئله آثار عاطفی بر حمایت کننده و حمایت شونده دارد. خداوند به صراحت از منت‌گذاری بر حمایت شونده بازمی‌دارد^۳ و می‌فرماید: مثل کسانی که در انفاق کردن ظاهرسازی و ریا می‌ورزند، همچون سنگی است که گرد و غباری بر آن نشسته و رگباری شدید به آن باریده و آن [سنگ] را سخت و صاف بر جای نهاده است.^۴ اما مثل کسانی که در این انفاق‌ها، تنها رضایت خداوند را در نظر می‌گیرند، چونان باغی است بر فراز پشته‌ای که اگر رگباری به آن برسد، دوچندان میوه می‌دهد و اگر رگباری هم به آن نرسد، بارش باران [برای آن بس است].^۵ قرآن، دست‌گیری از یتیم را با تعبیرهای بسیار زیبایی، مانند تکریم و بزرگداشت یتیم^۶ بیان می‌کند.

مفاهیم مهمی مانند مواسات، محبت، الفت، اخوت و احسان در این نظام مفهومی لبریز از حمایت‌های عاطفی است. حتی گاهی حمایت‌های مادی نیز در حکم ابزاری برای حمایت‌های عاطفی و به دست‌آوردن دل انسان‌هاست تا به دین حق بگرایند.^۷ اساساً پای‌بندی به دین حق و چنگ زدن به ریسمان الهی، باعث مهربانی دل‌ها با یکدیگر و از میان رفتن دشمنی‌ها می‌شود.^۸ خداوند، به برقراری بعضی پیوندها امر کرده است؛ زیرا پیوند میان خویشاوندان از مصداق‌های قطعی و پیوندهای اجتماعی، دوستی، پیوند با رهبران الهی و پیوند با خدا نیز از مصداق‌های احتمالی آن است.^۹ از دیدگاه قرآن، هر کس این پیوندها را قطع کند، از جمله زیان‌کاران واقعی خواهد بود.^{۱۰} روابط خانوادگی، روابط استادی و شاگردی، روابط همسایگان با یکدیگر و... نیز نوعی حمایت‌های عاطفی

۱. وَ لَا يَحْسَبُنَّ الَّذِينَ بُخِلُوا أَنَّهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرٌ لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. آل عمران: ۷۵

۲. بقره: ۱۸۰.

۳. لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَ الْاَذَى. بقره: ۲۶۴

۴. فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ ضَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِمَّا كَسَبُوا. بقره: ۲۶۴

۵. وَ مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَثْبِيتًا مِنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ يَرْبُوعًا أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضَعْفَيْنِ... بقره: ۲۶۵

۶. كَلَّا بَلْ لَا تَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ. فجر: ۱۷

۷. إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبِهِمْ. توبه: ۶۰

۸. وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ... آل عمران: ۱۰۳

۹. مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۵۵.

۱۰. الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَ يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يَفْسُدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ. بقره: ۲۷؛ (رعد: ۲۱ و ۲۵)

است که مجالی دیگر می‌خواهد.

د) حمایت‌های رفتاری: حمایت رفتاری محض و خالی از عواطف مثبت، در اسلام وجود ندارد. همه حمایت‌های رفتاری، از حمایت‌های عاطفی لبریز است و نیز بیشتر حمایت‌های عاطفی نیز در رفتار تجلی می‌یابد. حمایت عاطفی، به گفتار عاطفی و نشانه‌های غیر کلامی خلاصه نمی‌شود، بلکه بیشتر در رفتارها تجلی می‌یابد. دستورهایی مانند «در کارهای نیک هم‌یاری داشته باشید»^۱ و «برای نجات مستضعفان از دست ظالمان بکوشید»^۲ به حمایت‌های رفتاری اشاره دارد. برای مثال، حضرت موسی علیه‌السلام به کمک یکی از پیروان خود شتافت؛ به گونه‌ای که این کار به مرگ طرف مقابل انجامید.^۳ مردی از دورافتاده‌ترین نقطه شهر، دوان دوان پیش موسی آمد و از توطئه دشمنان برای به قتل رساندن وی خبر داد؛^۴ برادران یوسف علیه‌السلام اظهار آمادگی کردند تا به جای بنیامین زندانی شوند؛^۵ خضر علیه‌السلام دیوار در حال خراب شدن را تعمیر کرد تا گنجی که زیر آن پنهان بود و به دو پسر بچه یتیم تعلق داشت، برای آنها باقی بماند؛^۶ همچنین کشتی را سوراخ کرد تا سالم نباشد و در نتیجه، از تصرف غاصبانه پادشاه آن دیار در امان ماند و صاحبان بینوای آن، بتوانند از آن استفاده کنند.^۷ همه این نمونه‌ها، به حمایت‌های رفتاری اشاره دارند.

خشونت و پرخاشگری^۸

۸. تعریف خشونت^۹ و پرخاشگری

پرخاشگری، رفتاری است که به قصد آسیب رساندن (شامل آزارهای روانی همچون تحقیر، توهین، فحاشی و...) به کسی یا چیزی انجام می‌شود. قصد در این تعریف، اهمیت زیادی دارد. پرخاشگری می‌تواند ناپسند یا پسندیده باشد. سربازی که دشمنش را می‌کشد، پرخاشگر است، ولی ناپسند نیست. مجازات مجرمان نیز همین گونه است. (بارون و بایرن، ۱۹۹۷م.)

۱. تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى. مائده: ۲

۲. وَ مَا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ. نساء: ۷۵

۳. فَوَكَرَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ. قصص: ۱۵

۴. وَ جَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ. قصص: ۲۰

۵. قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَباً شَيْخاً كَبِيراً فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ... يوسف: ۷۸

۶. وَ أَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَ كَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا... كهف: ۸۲

۷. أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا وَ كَانَ وراءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْباً. كهف: ۷۹

۸. Agression.

۹. بعضی از روان‌شناسان اجتماعی، خشونت را به معنای آسیب‌رسانی بدنی و پرخاشگری را عام می‌دانند، ولی در این نوشتار هر دو را به معنای عام و مترادف هم به کار می‌بریم.

۹. دیدگاه‌های نظری درباره پرخاشگری

در مورد پرخاشگری، دو نظر اساسی وجود دارد. برخی آن را ذاتی و برخی دیگر اکتسابی می‌دانند. گروه دوم معتقدند هرچند انسان با چنین ظرفیتی آفریده شده است، ولی رفتار پرخاشگری اجتناب‌پذیر است. بعضی از آنان بر یادگیری اجتماعی و برخی دیگر بر یادگیری شناختی تأکید دارند. کسانی که آن را ذاتی می‌دانند، بعضی بر مبنای زیست‌شناختی و بعضی بر نظریه کشاننده‌ای تأکید می‌کنند. حال به اختصار به توضیح اجمالی هر یک از این دیدگاه‌ها می‌پردازیم.

الف) نظریه ذاتی بودن پرخاشگری: ذاتی بودن پرخاشگری، قدیمی‌ترین دیدگاه است و می‌گوید بخشی از طبیعت انسان، پرخاشگری است. فروید^۱ از قائلان به این نظریه استو به‌غریزه مرگ (تاناتوس)^۲ اعتقاد دارد. به نظر او، این غریزه نخست در جهت تخریب‌خود فرد عمل می‌کند، ولی خیلی زود به طرف بیرون از خود تغییر جهت می‌دهد. به باور لورنز^۳ (۱۹۶۶م.) این غریزه میان انسان و بسیاری از حیوانات مشترک است و منافع بسیاری را - از جمله در جفت‌یابی - در پی دارد. زیست‌شناسان اجتماعی^۴ نیز معتقدند که پرخاشگری به حیوانات نر در جفت‌گیری کمک می‌کند و باعث انتخاب طبیعی اصلح می‌شود، ولی بیشتر روان‌شناسان اجتماعی در اینکه چنین گرایش غریزی به طور قطع در انسان وجود داشته باشد، تردید دارند.

ب) نظریه زیست‌شناختی: برخی از روان‌شناسان اجتماعی، مانند باس^۵ و نیسبت^۶ (۱۹۹۰م.) عوامل زیست‌شناختی را در پرخاشگری، مهم می‌دانند و شواهد زیادی را نیز ارائه می‌کنند. گلاو^۷ (۱۹۹۱م.) و مارازیتی^۸ و همکاران (۱۹۹۳م.) در این زمینه پژوهش‌های انجام داده‌اند. آنان ترکیب شیمیایی خون سه گروه را تجزیه کردند: ۱. گروهی که قصد خودکشی داشتند؛ ۲. گروهی که به خاطر سطح بالای پرخاشگری، از دوران کودکی به دارالتأدیب فرستاده شده بودند؛ ۳. گروهی از داوطلبان سالم.

نتایج پژوهش‌ها نشان داد که سروتونین دو گروه اول، نسبت به گروه سوم، کمتر بود. آنان این امر را این گونه تفسیر کردند که دو گروه اول، توانایی کمتری برای مهار تکانه‌های پرخاشگری داشته‌اند، ولی پرخاشگری یک

¹ 31. Freud s.

² 32. Tanatos.

³ 33. Lorenz.K.

⁴ 34. Socilbilgogists.

⁵ 35. Buss A.A.

⁶ 36. E.R. Nisbett.

⁷ 37. Gladue B.A.

⁸ 38. D, Maraxxiti.

گروه، متوجه خود و در گروه دیگر متوجه غیر شده است. با این حال، اگر تأثیر عوامل زیستی هم حتمی باشد، به معنای غریزی بودن آن نیست، بلکه تنها، عاملی است که در کنار عوامل شناختی و اجتماعی عمل می‌کند؛ یعنی عامل تعیین کننده و بلامنازع در رفتار انسان نیست.

ج) نظریه‌های کشاننده‌ای:^۱ این نظریه‌ها، پرخاشگری را ناشی از کشاننده‌هایی می‌دانند که بر اثر ناکامی برانگیخته می‌شوند. این روی آورد در چند نظریه کشاننده‌ای مثل نظریه برکوویتز^۲ (۱۹۸۹م.) و دولارد^۳ و همکاران (۱۹۳۹م.) که روی عوامل خارجی مثل ناکامیتأکید می‌کنند، موجود است. ناکامی باعث برانگیختگی در جهت آسیب رساندن به دیگران می‌شوند. انسان‌ها با نداشتن چیزی ناکام نمی‌شوند، بلکه محروم تلقی می‌گردند، ولی اگر آرزوی چیزی را داشته باشند و به آن نرسند، ناکام می‌گردند.

د) نظریه یادگیری اجتماعی:^۴ این دیدگاه، پرخاشگری را آموختنی می‌داند و معتقد است انسان در هنگام تولد با پاسخ‌های پرخاشگرانه به دنیا نمی‌آید، بلکه از طریق تجربه مستقیم یا مشاهده رفتار دیگران آن را می‌آموزد. بندورا^۵ (۱۹۷۳م.) و ریچاردسون^۶ (۱۹۹۴م.) چنین دیدگاهی دارند. در این دیدگاه، افراد از جامعه می‌آموزند که چه چیزهایی می‌توانند هدف پرخاشگری باشند و چه ابزاری مناسب پرخاشگری است. این روی آورد، از قابل مهار بودن و قابل پیشگیری بودن پرخاشگری خبر می‌دهد.

ه) نظریه شناختی:^۷ بنابر این دیدگاه، پرخاشگری از کنش متقابل پیچیده‌ای میان حالت‌ها و تجربه‌های فعلی، افکار، خاطره‌ها و ارزیابی‌های شناختی درباره موقعیت فعلی برمی‌خیزد. برای مثال، اگر در فروشگاه بزرگی، کسی با چرخ دستی‌اش به پشت پای ما بزند، واکنش ما بستگی دارد به اینکه از ظاهر او چه استنباطی داشته باشیم. او را پشیمان و شرمنده ببایم یا قلدر و طلب‌کار و... . کسانی مانند هیوزمن^۸ (۱۹۸۸ و ۱۹۹۴م.) بر این نظریه تأکید دارند.

به نظر می‌رسد چنین روی آوردی برای فهم ریشه‌های پرخاشگری، درست‌تر از چارچوبی است که فروید و لورنز پیشنهاد کرده‌اند. به عبارت دیگر پرخاشگری دارای علل مختلف و گاه پیچیده است و گاه ممکن است چند علت با هم موجود باشند و منجر به پرخاشگری گردند.

¹39. Drive Theories.

²40. Berkowitz L.

³۴۱. Dollard j.

⁴42. Social Learning Theories.

⁵43 Bandura A.

⁶44. Richardson D.R.

⁷45. Cognitive Theories.

⁸46. Huseman.

۱۰. برانگیزاننده‌های پرخاشگری

الف) ناکامی: ناکامی یکی از برانگیزاننده‌هاست. اگر از عوامل پرخاشگری پرسش شود، بسیاری ناکامی را مطرح خواهند کرد و آن را حالتی خواهند دانست که فرد به هنگام برنیامدن آرزوهایش تجربه می‌کند. فرضیه دولارد و همکارانش چنین است. آنان دو ادعای اولیه دارند: ۱. ناکامی همیشه به شکلی از پرخاشگری می‌انجامد؛ ۲. پرخاشگری همیشه ناشی از ناکامی است. البته هر دو ادعا ناقص است. چه بسا ناکامی به واکنش‌های دیگری همچون ناامیدی، افسردگی، تلاش دوباره و... بینجامد. همه پرخاشگری‌ها نیز ناشی از ناکامی نیست، بلکه ممکن است در پاسخ به عوامل مختلف دیگری مانند تحریک مستقیم نیز رخ دهد.^۱ بار دیگر به مثال فروشگاه و چرخ دستی توجه کنید! اگر ضارب از شما طلب‌کار هم باشد که چرا جلو چرخ دستی او را گرفته‌اید، شما عصبانی خواهید شد و چه بسا رفتاری تلافی‌جویانه بروز دهید. (سایینی، ۱۹۹۴م).

ب) خشونت رسانه‌ای: بسیاری از یادگیری‌ها از روی الگوهاست؛ خواه الگو، واقعی باشد یا رسانه‌ای. تحلیل دقیق محتوای برنامه‌های تلویزیون و... نشان می‌دهد که بسیاری از آنها دربردارنده خشونت هستند. (ریس^۲ و روت^۳ ۱۹۹۳م؛ واترز^۴ و همکاران ۱۹۹۳م). روان‌شناسان اجتماعی می‌پرسند: آیا این برنامه‌ها به افزایش پرخاشگری کودکان یا حتی بزرگسالان کمک می‌کند یا نه؟ پژوهش‌های بسیاری در این زمینه انجام شده است. نتایج این پژوهش‌ها گرچه هماهنگ نیست، ولی در مجموع این نتیجه را دربردارد که یکی از عوامل پرخاشگری، خشونت‌های رسانه‌ای است. بررسی‌های هم‌بستگی میان این دو متغیر انجام شده و هم‌بستگی مثبت معناداری به دست آمده است. این پژوهش‌ها در کشورهای مختلفی مانند استرالیا، فنلاند، لهستان، فلسطین اشغالی، افریقای جنوبی و... انجام شده است. (بوتا،^۵ ۱۹۹۰م؛ هیوزمن و واورن،^۶ ۱۹۸۶م. به نقل از: سایینی)

ج) عوامل شخصیتی (الگوی رفتاری تیپ «A»): از نظر روان‌شناسان، هر کسی ویژگی‌های زیر را داشته باشد، دارای این الگوی رفتاری و پرخاشگری است (گلاس،^۷ ۱۹۷۷م؛ استراب،^۸ ۱۹۸۴م): ۱. رقابت‌جوی شدید؛ ۲. عجول؛ ۳. زودرنج (تحریک‌پذیر) و کسانی که نقطه مقابل این ویژگی‌ها را دارند، دارای الگوی رفتاری تیپ «B» هستند. پژوهش‌های بسیاری نیز آن را تأیید می‌کند. (بارون، راسل^۹ و آرمز،^۱ ۱۹۸۵م. و کارور^۲ و گلاس، ۱۹۷۸م.) از

¹ 47. Direct Provocation.

² 48. Ress A.J.

³ 49. A.J roth .

⁴ 50. F.Waters H .etal.

⁵ 51. Botha M.

⁶ 52. D.Eron L .

⁷ 53. Glass.

⁸ 54. Strube M.J.

⁹ 55. Russell G.W.

از این رو، تعجبی ندارد که افراد تیپ «A» بیشتر از تیپ «B» به کودک‌آزاری و همسرآزاری نیز اقدام کنند. (استراب و همکاران، ۱۹۸۴م؛ به نقل از: ساینی)

د) عوامل شخصیتی (سوگیری اسنادی خصمانه): یکی دیگر از عوامل شخصیتی، سوگیری اسنادی خصمانه است. در مثال چرخ دستی، اگر برداشت ما این باشد که ضارب از روی عمد زده است، احتمال تلافی بیشتر است، ولی تفسیر رفتار دیگران آسان نیست و رفتار مبهم است. در این موقعیت‌ها، عامل شخصیتی ماست که دخالت می‌کند. کسی که دارای این ویژگی شخصیتی (سوگیری اسنادی خصمانه) باشد، کمتر به دیگران اجازه می‌دهد که از مبهم بودن موقعیت سود ببرند و به سرعت تفسیر عمدی بودن را مطرح می‌کند و دست به تلافی می‌زند.

۱۱. شیوه‌های پیشگیری و مهار پرخاشگری

پرخاشگری از کنش متقابل، رویدادهای بیرونی، شناخت‌ها و ویژگی‌های شخصیتی ناشی می‌شود و این عوامل، تغییرپذیر و مهار شدنی هستند. از این رو، پرخاشگری نیز مهارپذیر است و برای مهار آن، فرایندهایی پیشنهاد شده است که به بررسی آنها می‌پردازیم.

الف) مجازات پرخاشگر: در اینکه آیا مجازات باعث پیشگیری یا کاهش پرخاشگری می‌شود یا نه، بحث‌های متفاوتی مطرح است. این بحث‌ها بیشتر درباره عبرت‌آموزی مجازات اعدام برای جرم‌های خشن، صورت گرفته است که آیا باعث عبرت دیگران می‌شود یا نه؟ پاسخ این است که عبرت‌آموزی شرایطی لازم دارد: ۱. مجازات بی‌درنگ پس از اعمال پرخاشگرانه باشد؛ ۲. مجازات قطعی باشد نه احتمالی؛ ۳. مجازات قوی باشد (به مقدار کافی ناخوشایندی داشته باشد)؛ ۴. مجازات باید موجه باشد نه غیر مرتبط و اتفاقی.

متأسفانه بیشتر این شرایط در نظام قضایی بسیاری از کشورها وجود ندارد. تأخیر در مجازات زیاد است؛ مجازات برای بعضی‌ها اجتناب‌پذیر است و بیشتر مجازات‌ها را مجرمان، غیر موجه و غیر منصفانه می‌دانند. در مورد مجازات مرگ، از سه زاویه اخلاق، حقوق و روان‌شناسی اجتماعی می‌شود به موضوع نگریست. بعضی از روان‌شناسان اجتماعی، در بازدارندگی آن تردید جدی کرده‌اند، (بارون و بایرن، ۱۹۹۷م). ولی کمترین فایده‌اش این است که مجرم امکان به دام انداختن قربانیان دیگری را نمی‌یابد؛ زیرا بسیاری از جرم‌ها را سابقه‌دارها انجام می‌دهند.

ب) تخلیه هیجانی:^۳ بنابر این فرضیه، افراد برای کاهش خشم خود، نیاز دارند که به‌صورتی سالم، هیجان‌های پرخاشگرانه خود را بروز دهند. (آرونسون به نقل از: دولارد و همکاران؛ ۱۹۳۹م). برای مثال، کسانی که فعالیت‌های ورزشی دارند یا در یک اتاق خالی نعره می‌زنند، تحریک‌های هیجانی خود را کاهش می‌دهند، (بارون

¹.Arms R .۵۶

².Carver.۵۷

³58. Catharsis.

و بایرن به نقل از: زیلمن،^۱ ۱۹۷۹م.) ولی این چندان پایدار نیست و چه بسا برانگیختگی ناشی از تحریک دوباره ظاهر شود. نتیجه پژوهش‌ها در این موضوع، چندان دلگرم کننده نیست. رواج پرخاشگری آشکار، نشان می‌دهد:

۱. تماشای پرخاشگری رسانه‌ای، باعث کاهش آن نمی‌شود؛ (بارون و بایرن به نقل از: گین، ۱۹۷۹م.)

۲. تهاجم علیه موجودات بیجان، باعث کاهش آن نمی‌گردد. (اسمیت به نقل از: ملیک^۲ و مک کندلس^۳،

۱۹۶۶م.)

پس برخلاف باور عمومی، تخلیه هیجانی چندان تأثیر مثبتی بر کاهش پرخاشگری ندارد بلکه نوعی تمرین و کسب لذت و به رسمیت شناختن آن است.

ج) توجه به بازدارنده‌های شناختی^۴: در مثال چرخ دستی، اگر طرف مقابل صادقانه عذرخواهی کند، به احتمال قوی ما عصبانی نخواهیم شد و رفتار پرخاشگرانه‌ای نشان نخواهیم داد. (مالین به نقل از: واینر^۵ و همکاران، ۱۹۸۷م.) پس عذرخواهی می‌تواند به‌عنوان راهبردی مؤثر برای کاهش پرخاشگری به شمار آید.

شیوه شناختی دیگری که در کاهش پرخاشگری تأثیر دارد، غلبه بر «قصان شناختی»^۶ است. این غلبه، باعث افزایش بازدارندگی می‌شود.

(دانلسون به نقل از: زیلمن، ۱۹۹۳م.)

شیوه شناختی دیگر، استفاده از راهبرد پیش‌اسناد^۷ است؛ یعنی پیش از اینکه اعمال آزارنده دیگران اتفاق بیفتد، آن را پیش‌بینی کنیم و به گونه‌ای اسناد دهیم که باعث خشم ما نشود؛ برای مثال، بگوئیم عمدی نیست، بلکه ویژگی شخصیتی او این گونه است.

د) ارائه الگوهای غیر پرخاشگر: الگوهای غیر پرخاشگر نیز، مانند الگوی پرخاشگر تأثیر آموزشی دارد. این مطلب در بسیاری از پژوهش‌ها تأیید شده است. حضور الگوی غیر پرخاشگر در موقعیت‌های بالقوه خطرناک می‌تواند در کاهش خشونت و افزایش رفتار متعادل تأثیرگذار باشد.

ه) آموزش مهارت‌های اجتماعی: بسیاری از افراد نیاموخته‌اند که چگونه در موقعیت‌های اجتماعی حضور یابند و با دیگران رفتار کنند و به تحریک‌های آنها پاسخ دهند یا خواسته‌ها و آرزوهای خود را ابراز دارند و... از این رو، با ناکامی روبه‌رو می‌شوند و در نتیجه، احتمال بروز پرخاشگری در آنها بیشتر می‌شود. (بارون و بایرن به نقل از: تاج،^۸ ۱۹۸۵م.) آموزش مهارت‌های اجتماعی به این گونه افراد مؤثر است و این آموزش، چندان هم پیچیده نیست.

¹ 59. Zilman D.

² 60. Mallick S.K.

³ 61. R. Mc Candless B.

⁴ 62. Cognitive Intervetaions.

⁵ 63. Weiner B.

⁶ 64. Cognitive deficit.

⁷ 65. Preattribution.

⁸ 66. Toch H.

و) پاسخ‌های مغایر: ^۱ اگر نزدیک است عصبانی شویم و ناگهان کسی مطلب خنده‌دار بگوید، به احتمال قوی ما خلق از دست رفته را باز می‌یابیم. این عواطف مثبت، ما را در مقابله با خشم خود کمک می‌کند. (بارون و بایرن به نقل از: بارون، ۱۹۹۳م).

ز) توجه به تفاوت‌های فرهنگی و نژادی در پرخاشگری: سطح پرخاشگری در فرهنگ‌های مختلف، متفاوت است. پژوهش‌های بسیاری این مطلب را تأیید می‌کند. (مالیم به نقل از: هیوزمن و بارون، ۱۹۸۳م)؛ (بارون و بایرن به نقل از: فراچک، ^۲ ۱۹۸۵م).

در یکی از این پژوهش‌ها، سطح پرخاشگری در ۱۳۷ جامعه مختلف بررسی شد. (آرونسون به نقل از: بوربانک، ^۳ ۱۹۸۷م). نتایج بیانگر تفاوت شگرفی میان فرهنگ‌های مختلف بود. در برخی فرهنگ‌ها، پرخاشگری یک هنجار اجتماعی و ارزش است و در فرهنگی دیگر، یک ضد ارزش و خلاف به شمار می‌آید. (کلاینبرگ، ترجمه: کاردان، ۱۳۴۶ ه. ش) وجود این تفاوت‌ها میان بزرگسالان تعجب‌برانگیز نیست؛ چون سال‌ها در هنجارها غوطه‌ور شده‌اند، ولی کودکان نیز همان تفاوت‌ها را داشتند. پژوهشی که استرمن و همکاران (۱۹۹۴م) انجام دادند، سه نوع پرخاشگری کلامی، فیزیکی و غیر مستقیم را در کودکان نشان داد.

۱۲. پرخاشگری در قرآن

در اینجا می‌کوشیم آرمان‌ها و ایدئال‌های قرآنی را در موضوع پرخاشگری بررسی کنیم. این مفهوم چه جایگاه ارزشی در نظام مفهومی اسلام دارد؟ حد و حدود آن چیست؟ انواع مجاز آن کدام است؟ نسبت به چه کسانی و در چه شرایطی، حق پرخاشگری داریم و با چه کسانی باید با خشونت رفتار شود؟

در تعریف پرخاشگری، قصد آسیب‌رسانی لحاظ شده است؛ در حالی که در نظام مفهومی اسلام، از یک منظر، آسیب‌رسانی به غیر، نوعی ضد ارزش و ناهنجاری است؛ مگر در شرایطی خاص. از این نظرگاه، حتی اعدام‌ها و قطع دست و پا و... نیز به قصد آسیب‌رسانی نیست؛ چون این مجازات‌ها سرانجام، هم به سود خود مجرم و هم به سود جامعه است. حتی در مواردی که سودی به حال جامعه نداشته باشد، به سود خود شخص است؛ زیرا:

یک - حکم خداست و تسلیم شدن به حکم خدا به سود فرد است؛

دو - این مجازات، بخشی از مجازات‌های خود اوست و اگر در این دنیا مجازات نشود، تمام مجازات او برای سرای دیگر باقی می‌ماند؛

سه - باعث بازدارندگی او از استمرار خطا می‌شود.

بر این اساس، چه بسا بسیاری از مجازات‌های اسلامی، خشونت و پرخاشگری تلقی نشود، ولی چون

¹ 67. Incompatible.

² 68. Fraczek A.

³ 69. Burbank.

روان‌شناسان اجتماعی، مباحث پرخاشگری را از آن منظر مطالعه نمی‌کنند، این رفتارها را با عنوان پرخاشگری و خشونت مورد بحث قرار می‌دهند. به بیان دیگر، اگر از دیدگاه عمومی و مسامحی به این رفتارها توجه کنیم، آسیب‌رسانی نیست؛ چون آن رنج کنونی، پی‌آمدهای مثبت بعدی دارد و همچون داروی تلخی است که باعث سلامت فرد می‌شود.

ما در این نوشتار، از منظر عمومی سخن می‌گوییم و از همان واژه‌های خشونت و پرخاشگری، استفاده می‌کنیم. بر این اساس، به چند بحث می‌پردازیم. نخست خواهیم گفت که در این نظام مفهومی، اصل بر عدم خشونت و پرخاشگری است؛ مگر به هنگام ضرورت و در حد ضرورت. سپس دلایل متعددی نیز برای نفی خشونت اولیه، می‌آوریم. سپس به ترتیب، انواع خشونت‌های کلامی و عملی و سپس دستورهای صریح قرآن را در مورد پرخاشگری بررسی می‌کنیم.

نمودار (۳) - پرخاشگری در نظام مفهومی اسلام

روح کلی حاکم بر نظام مفهومی اسلام، استفاده از جاذبه‌ها است. خداوند از بنی‌اسرائیل پیمان می‌گیرد که خون یکدیگر را نریزند و یکدیگر را از سرزمین خود بیرون نکنند.^۱ سپس سرزنش می‌کند که چرا شما این کارها را انجام دادید.^۲ به مؤمنان می‌فرماید: به خدایان مشرکان، دشنام ندهید؛ زیرا آنان نیز از روی دشمنی و جهل، خداوند را دشنام خواهند داد.^۳ به موسی و هارون می‌فرماید: فرعون سرکشی کرده است، به سوی او بروید و با او به نرمی سخن بگویید، شاید پند پذیرد یا بترسد.^۴ در جای دیگر، تصریح می‌کند که نیکی و بدی یکسان نیست؛ بدی را به نیکویی دفع کن؛ زیرا سبب می‌شود دشمنی به دوستی بدل گردد.^۵ در مقام دعوت به پروردگار، باید از طریق حکمت و اندرز وارد شد و به شیوه‌ای نیکو مجادله کرد.^۶ به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌می‌فرماید: به برکت رحمت الهی با آنان نرم‌خو شدی و اگر تندرو و سخت‌دل بودی، بی‌گمان از پیرامون تو پراکنده می‌شدند، پس از ایشان درگذر و برایشان آموزش بخواه.^۷ در توصیف پیامبر و پیروان آن حضرت می‌فرماید: آنان بر کافران سخت‌گیر و بایکدیگر مهربانند.^۸

۱. وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَ لَا تَخْرُجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ. بقره: ۸۴

۲. ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَ تَخْرُجُونَ قَرِيبًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ. بقره: ۸۵

۳. وَ لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ... انعام: ۱۰۸

۴. فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى. طه: ۴۴

۵. وَ لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ. فصلت: ۳۴

۶. ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ. نحل: ۱۲۵

۷. فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ. آل‌عمران: ۱۵۹

۸. أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ. فتح: ۲۹

۱۳. پرخاشگری‌های کلامی در قرآن

از آنجا که دامنه معنایی پرخاشگری به رفتار فیزیکی اختصاص ندارد، بلکه شامل آسیب‌های روانی نیز می‌شود، پرخاشگری‌های کلامی نیز در این زمینه مطرح می‌شود که به اختصار به آنها می‌پردازیم.

الف) سوگندهای خشن: معمولاً به چیزهایی سوگند خورده می‌شود که بسیار مقدس و باارزش‌اند. خداوند به اسب‌های دونده‌ای که نفس‌زنان به سوی میدان جهاد پیش می‌روند، سوگند می‌خورد؛ به اسب‌هایی که بر اثر برخورد سم آنها با سنگ‌های بیابان، جرقه‌های آتش پیدا می‌شود و صبح‌گاهان به دشمن یورش می‌برند و از هر سوی گرد و غبار می‌پراکنند و ناگهان در میان دشمن ظاهر می‌شوند.^۱ در جای دیگر، به فرشتگانی سوگند یاد می‌کند که از کافران به سختی جان می‌ستانند.^۲ نیز از حادثه‌ای کوبنده (روز قیامت) یاد می‌کند و در بیان شکوه آن، از پیامبر می‌پرسد تو چه می‌دانی که آن حادثه کوبنده چیست؟^۳ این گونه آیات بیانگر ارزشمندی این مفاهیم پرخاشگرانه در این نظام مفهومی است.

ب) تهدیدهای خشن دنیوی و اخروی: خداوند در روز قیامت می‌گوید: ای فرزندان آدم! مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را نپرستید و مرا پرستش کنید، ولی گروهی از شما سخت گمراه شدید. اکنون این جهنمی است که به شما وعده داده شده بود؛ امروز بر دهان آن گروه مهر می‌نهم و دست‌هایشان با ما سخن می‌گویند و پاهایشان گواهی می‌دهند و اگر بخواهیم فروغ دیدگان‌شان را می‌گیریم و آنان را چنان در جای خود مسخ می‌کنیم که نه بتوانند بروند و نه برگردند.^۴ در قیامت، کافران دارای جامه‌هایی از آتش خواهند بود و از بالای سر آنها آب جوش ریخته خواهد شد.^۵ آنان روز قیامت را دیر می‌پندارند، ولی ما می‌دانیم که نزدیک است.^۶ ای پیامبر! به آنان بگو، هر کاری که می‌توانند، انجام دهند و من هم انجام خواهم داد.^۷ در آن روز، کسانی که کارنامه اعمالشان بد است، از دیدن آن ناراحت می‌شوند و تأسف می‌خورند که مال و قدرت آنها از دست رفته است و کاری از دست آنها

۱. وَ الْعَادِيَاتِ ضَبْحًا * فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا * فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا * فَأَأْتِرْنَ بِهِ نَفْعًا * فَوَسْطُنَ بِهِ جَمْعًا. عادیات: ۵۱.

۲. وَ النَّازِعَاتِ غَرْقًا. نازعات: ۱.

۳. الْقَارِعَةُ * مَا الْقَارِعَةُ * وَ مَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ * يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ. قارعه: ۴۱.

۴. أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ غَدُوٌّ مُبِينٌ * وَ أَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ * وَ لَقَدْ أَضَلُّ مِنْكُمْ جِبَلًا كَثِيرًا أَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ * هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ * أَضَلُّوهُمُ الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ * الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَ تَكَلَّمْنَا أَيْدِيهِمْ وَ تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ * وَ لَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَى أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ. يس: ۶۷-۶۰.

۵. فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِنْ نَارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُؤُسِهِمُ الْحَمِيمُ. حج: ۱۹.

۶. إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا * وَ نَرَاهُ قَرِيبًا * يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ * وَ تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ. معارج: ۹-۶.

۷. قُلْ يَا قَوْمِ اْعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ. انعام: ۱۳۵.

برنمی‌آید. آن‌گاه ندا می‌رسد که بگیرید او را و در غل و زنجیر کشید و در میان آتشش افکنید و...^۱. خداوند برای اینکه همگان درس عبرت بگیرند، حتی برای پیامبرش نیز به تندی تعبیر می‌کند که اگر سخنان غیر مرا به من نسبت داده بود، دست راست او را محکم می‌گرفتم و سپس رگ قلبش را قطع می‌کردیم و هیچ یک از شما مانع عذاب او نمی‌شدید.^۲

تهدیدهای دنیوی نیز در قرآن فراوان است. بی‌گمان کسانی که با خدا و فرستاده او مخالفت کنند، ذلیل خواهند شد.^۳ آیا کافران شما بهتر از کافران اقوام پیشین هستند؟ یا برای آنان امان‌نامه‌ای در کتاب‌های آسمانی آمده است؟ یا خود را جماعتی متحد و پیروز می‌پندارند؟^۴ آیا در زمین سیر نکرده‌اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنان بودند چگونه بود؟ خداوند آنان را هلاک کرد و برای کافران چنین عذاب‌هایی است.^۵ خداوند قدرت دارد که از بالای سر یا زیر پای کافران عذابی بر آنان بفرستد یا میانشان تفرقه افکند و طعم جنگ و اختلاف داخلی را به آنها بچشاند.^۶

ج) نفرین کردن: نفرین نیز نوعی پرخاشگری کلامی است. نفرین، به معنای دعای منفی است. یهود می‌گفتند دست خدا بسته است و چیزی نمی‌بخشد (یا قدرت ندارد). خداوند می‌فرماید: دست‌های خودشان بسته باد و از رحمت الهی دور باشند به سبب این سخنی که گفتند.^۷ داوود و عیسی، کافران بنی‌اسرائیل را لعن و نفرین کردند.^۸ خداوند پس از یادآوری بعضی ویژگی‌های منفی انسان، می‌گوید مرگ بر این انسان، چقدر ناسپاس است.^۹ همچنین پس از چندین سوگند می‌گوید مرگ بر شکنجه‌گران گودال آتش،^{۱۰} مرگ بر دروغ‌گویان.^{۱۱} مرگ بر کسانی که کافر شدند، اعمالشان نابود باد.^{۱۲} نوح پس از ناامیدی از هدایت قوم خود، گفت: خدایا بر گمراهی ظالمان بیفرا!

۱. فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهٗ * وَ لَمْ أُدْرَ مَا حِسَابِيَهٗ * يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ * مَا أُغْنِي عَنِّي مَالِيَهٗ * هَلْكَ عَنِّي سُلْطَانِيَهٗ * خُدُوهُ فَغُلُّوهُ * ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ. حاقه: ۲۵-۳۱

۲. وَ لَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ * لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ * ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ * فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ. حاقه: ۴۴-۴۷

۳. إِنَّ الَّذِينَ يُخَادُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ كُفِبُوا كَمَا كُفِبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ. مجادله: ۵

۴. أَمْ كُفَّارُكُمْ خَيْرٌ مِنْ أَوْلِيكُمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ * أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُنتَصِرُونَ. قمر: ۴۲-۴۳

۵. أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا. محمد: ۱۰

۶. قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَنْبِسْكُمْ سُيَئًا وَ يَذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ... انعام: ۶۵

۷. وَ قَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُوبَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا. مائده: ۶۴

۸. لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِيسَى. مائده: ۷۸

۹. قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ. عيس: ۱۷

۱۰. قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ. بروج: ۴

۱۱. قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ. ذاريات: ۱۰

۱۲. وَ الَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا لَهُمْ وَ أَضَلُّ أَعْمَالُهُمْ. محمد: ۸

بیفزا^۱ و هیچ یک از کافران را بر روی زمین باقی مگذار^۲ و هلاکت آنها را بیفزا^۳ در جایی دیگر، به کسانی که نهی الهی را به هیچ می‌انگارند، می‌گوید به شکل میمون‌هایی طرد شده درآید.^۴ ابولهب (عموم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله) را نفرین می‌کند که دو دست او بریده باد و هرگز مال و ثروتش به او سودی نبخشد.^۵

(د) **تمسخر واستهزا:** قرآن کافران را مسخره می‌کند و می‌فرماید هر کس گمان می‌کند خدا، پیامبرش را در دنیا و آخرت یاری نخواهد کرد، ریسمانی از سقف خانه خود آویزد و خود را حلق‌آویز کند و نفس خود را قطع کند [و تا لبه پرتگاه مرگ پیش رود] تا ببیند آیا این کار خشم او را فرو می‌نشاند؟^۶

در قیامت، آنان که قرآن را تکذیب می‌کردند، از خدا می‌خواهند که آنها را از آتش بیرون آورد، ولی خداوند با بیانی تمسخرآمیز و زننده آنان را از خود می‌راند.^۷ شماری از مشرکان، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را استهزا می‌کردند که او نسل بریده است و وارث ندارد. خداوند به همان صورت پاسخ می‌دهد که آنها خودشان نسل بریده‌اند.^۸ در جای دیگر، اعمال کافران را به خاکستری تشبیه می‌کند که در یک روز طوفانی در برابر تندبادی قرار گرفته است و قدرت حفظ کمترین چیزی از آن را ندارند.^۹ در جایی دیگر، مشرکان را ناپاک می‌شمارد و می‌گوید نباید از امسال به مسجد الحرام نزدیک شوند.^{۱۰} البته امکان دارد بعضی از این آیات هم بیان واقعیت کند و هم در مقام تمسخر و تحقیر باشد.

(ه) **اعلان بیزاری:** نمونه‌ای بسیار صریح از پرخاشگری کلامی، اعلان بیزاری شدید است. آن هم در موقعیت‌های زمانی و مکانی بسیار بااهمیت، مانند ایام حج. قرآن، بیزاری شدید خدا و پیامبرش را از مشرکان در روز حج اکبر [عید قربان]، به همه مردم اعلان می‌دارد.^{۱۱} یعنی بیزار بودن تنها، کافی نیست، بلکه اعلان عمومی لازم است.

۱. وَ لَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا. نوح: ۲۴

۲. رَبِّ لَا تَذَرُ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ ذِيَارًا. نوح: ۲۶

۳. وَ لَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا. نوح: ۲۸

۴. فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ. اعراف: ۱۶۶

۵. تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّتْ * مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ. مسد: ۱-۲

۶. مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لِيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبْنَ كَيْدَهُ مَا يَغِيظُ. حج: ۱۵

۷. قَالَ اخْشَوْا فِيهَا وَ لَا تَكَلَّمُونَ... مؤمنون: ۱۰۸

۸. إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ. کوثر: ۳

۹. مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بَرَبَّهُمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ. ابراهيم: ۱۸

۱۰. إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا. توبه: ۲۸

۱۱. أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ... توبه: ۳

۱۴. پرخاشگری‌های عملی در قرآن

قرآن کریم گاهی رفتارهای پرخاشگرانه اقوام گذشته را به گونه‌ای ذکر می‌کند که با یک تأیید ضمنی یا صریح همراه است.

(الف) عقاب‌های اقوام گذشته: تمام عذاب‌ها و عقاب‌هایی که خداوند بر اقوام پیامبران گذشته نازل کرده، از این نوع است. خداوند، قوم لوط و شهر و دیار آنها را زیر و رو کرد و بارانی از سنگ بر آنها فروریخت.^۱ قوم نوح را غرق کرد تا درس عبرتی برای مردمان دیگر باشد.^۲ قوم عاد و ثمود و اصحاب الرّس [گروهی که درختان صنوبر را می‌پرستیدند] و اقوام بسیار دیگری را که در این میان بودند و هدایت نپذیرفتند، همه را هلاک و نابود کرد.^۳ برای قوم عاد، تندباد وحشتناک و سردی را در روزی شوم فرستاد که مردم را همچون تنه نخل‌هایی که از ریشه برکنده شده‌اند، ریشه کن سازد.^۴

قوم صالح، هدایت نپذیرفتند و ناقه‌ای را که برای آزمایش آنها فرستاده شده بود، آسیب رساندند و خداوند تنها صیحه‌ای [صاعقه عظیم] بر آنها فرستاد و آنها را به صورت گیاهان خشکی درآورد که دامداران [در آغل] جمع‌آوری می‌کنند.^۵ فرعون و لشکریانش را که موسی را ساحر یا دیوانه خواندند، در دریا غرق کرد.^۶ توطئه کسانی را که سوار بر فیل، قصد تخریب کعبه را داشتند، نقش بر آب کرد و پرندگانی را فرستاد تا با سنگ‌های کوچکی، آنها را هدف قرار دهند و آنان را همچون کاه خورده شده، متلاشی سازند.^۷ هرگاه حکمت خداوند اقتضا کند که قومی نابود شوند، حتی به پیامبرش نیز اجازه شفاعت نمی‌دهد؛ همچنان‌که در مورد قوم نوح این گونه شد.^۸ خود پیامبرش را در صورت لزوم، تنبیه می‌کند؛ همچنان‌که حضرت یونس علیه‌السلام، از قوم خودش که هدایت نمی‌پذیرفتند، ناراحت شد و آنها را رها کرد و خداوند برای مدتی، او را در شکم یک ماهی بزرگ زندانی کرد و

۱. جَعَلْنَا عَلَيْهَا سَابِلَهَا وَ أَمْطَرْنَا عَلَيْهَا جِجَارَةً مِنْ سَجِيلٍ مَنْضُودٍ. هود: ۸۲

۲. وَ قَوْمِ نُوحٍ لَمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَ جَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً... فرقان: ۳۷ و (ربك: صافات: ۷۵ - ۸۲)

۳. وَ عاداً وَ ثمودَ وَ أصحابَ الرِّسِّ وَ قُرُوناً بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيراً * وَ كَلَّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأُمثالَ وَ كَلَّا تَبَرَّنا تَثْبِيراً. فرقان: ۳۸ - ۳۹

۴. إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحاً ضَرْصراً فِي يَوْمٍ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ * تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أُعْجازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ. قمر: ۲۰-۱۹

۵. إِنَّا مَرْسَلُوا النَّاقَةَ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَبَّيْهُمْ وَ اضْطَبِرْ * وَ نَبَّيْهُمْ أَنَّ الْماءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شَرْبٍ مُخْتَضِرٌ فَنادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ * فَكَيْفَ كانَ عَذايِي وَ نُذُرْ * إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكانُوا كَهَشِيمِ الْمُخْتَطِرِ. قمر: ۲۷-۳۰

۶. وَ فِي مُوسى إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلى فِرْعَوْنَ يَسْئَلُ مِئين * فَتَوَلَّى يَرْكُنيهِ وَ قالَ ساجِرْ أَوْ مَجْنونُ * فَآخَذْنَاهُ وَ جُنودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَ هُوَ مُلَيَّمٌ. ذاريت: ۴۰-۳۸ و (اعراف: ۱۳۳)

۷. وَ أَرْسَلْ عَلَيْهِمْ طَيْراً أَباييلَ * تَرْمِيهِمْ بِجِجَارَةٍ مِنْ سَجِيلٍ * فَجَعَلْنَاهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ. فیل: ۵-۳

۸. وَ لا تُخاطِبُنِي فِي الذِّينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُخْرَقُونَ. مؤمنون: ۲۷

سپس او را نجات داد.^۱

ب) **تأیید اقدام‌های پیامبران الهی:** یکی از نمونه‌های بسیار آشکار، اقدام حضرت ابراهیم علیه‌السلام است. پس از اینکه آن حضرت به صورت‌های مختلف استدلال کرد و خدا و دین حق را معرفی کرد و آنان نپذیرفتند، تصمیم گرفت رفتار دیگری انجام دهد.^۲ از این رو، فرصتی مناسب به دست آورد و بت‌های گونه‌گون بتکده را شکست و جز بت بزرگ،^۳ همه را قطعه‌قطعه کرد و به این ترتیب، بت‌پرستان را با یک ناهماهنگی شناختی عمیق روبه‌رو ساخت و از این رو، آنان سر به زیر افکندند.^۴ ابراهیم برای بیدار کردن وجدان آنان، باز نوعی پرخاشگری کلامی بروز داد و گفت اُف بر شما و آنچه جز خداوند می‌پرستید.^۵ اساساً هیچ قومی که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند، با دشمنان خدا و رسول خدا، دوستی نمی‌کنند.^۶ خداوند، این اقدام حضرت ابراهیم و یاران او را که به آن قوم مشرک گفتند از بت‌های شما بیزاریم و میان ما و شما دشمنی همیشگی آشکاری هست، مگر زمانی که شما به خدای یگانه ایمان بیاورید،^۷ تأیید می‌کند و آن را به عنوان الگو معرفی می‌کند.

ج) **مردود شمردن برخی رفتارهای خشن:** در جریان مخالفت‌های فرزندان آدم علیه‌السلام با یکدیگر، هر کدام کاری را برای تقرب به پروردگار انجام دادند، ولی از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد. آن که عملش پذیرفته نشد، گفت به خدا سوگند تو را خواهم کشت. برادر دیگر پاسخ داد من گناهی ندارم، ولی خداوند تنها از پرهیزکاران می‌پذیرد.^۸ اگر تو برای کشتن من اقدام کنی، من هرگز چنین نمی‌کنم و سرانجام برادر پرهیزکار خودش را کشت. از عبارتهایی مانند «خدا تنها از پرهیزکاران می‌پذیرد» و «سرانجام او را کشت و از زیان‌کاران شد»^۹ و از نکته‌های دیگری معلوم می‌شود که این حرکت مورد تأیید قرآن نیست. یهود و مشرکان، شدیدترین دشمنی‌ها را به مؤمنان داشته‌اند.^{۱۰}

۱. وَ إِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ * إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلِّكَ الْمَشْحُونِ * فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ * فَالْتَقَمَهُ الْخَوْثُ وَ هُوَ مُلِيمٌ... صافات: ۱۳۹-۱۴۲

۲. وَ تَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُولُوا مُدْبِرِينَ. انبیاء: ۵۷

۳. فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ. انبیاء: ۵۸

۴. ثُمَّ نَكِسُوا عَلَى رُؤُسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا هَؤُلَاءِ يَنْطِقُونَ. انبیاء: ۶۵

۵. أَفْ لَكُمْ وَ لِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَمْ فَلَا تَعْقِلُونَ. انبیاء: ۶۷

۶. لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَ رُسُلَهُ. مجادله: ۲۲

۷. قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَ الَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَ بَدَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَ الْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ... ممتحنه: ۴

۸. ... إِذْ قَرَّبْنَا قُنُقَيْلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَ لَمْ يَنْقَبِلْ مِنَ الْآخِرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَّبِعُ اللَّهَ مِنَ الْمُتَّقِينَ... مائده: ۲۷

۹. فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ. مائده: ۳۰

۱۰. لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا... مائده: ۸۲

در جریان حضرت ابراهیم علیه السلام نیز مخالفان تصمیم گرفتند ایشان را بسوزانند، آتشی فراهم کردند و او را در آن انداختند.^۱ قرآن، این رفتار را مردود می‌شمارد؛ چون خداوند به آتش فرمان می‌دهد که بر او سرد و سالم باشد.^۲

بعضی از ویژگی‌های مجازات‌های قیامت و توصیف قرآن درباره آنها نیز، به نوعی پرخاشگری اشاره دارد؛ برای مثال، می‌گوید: وای بر کافران از عذاب شدید الهی.^۳ یا گاهی عظمت خدا و سنگینی کیفرهایش را به رخ می‌کشد؛ برای مثال، می‌گوید هر کس با خدا دشمنی کند، [باید بداند که] مجازات خداوند شدید است.^۴

۱۵. دستورهای صریح برای پرخاشگری

افزون بر پرخاشگری‌های کلامی و عملی که نمونه‌های آن را در قرآن آوردیم، قرآن گاهی دستورهای صریحی بر رفتارهای پرخاشگرانه‌ای مانند مجازات‌های اسلامی و جهاد با کفار دارد.

الف) جهاد: بحث ما در بحث‌های فقهی جهاد نیست، بلکه می‌خواهیم بگوییم با مطالعه آیات قرآنی، روحیه جهاد در راه خدا در مؤمنان زنده می‌شود.^۵ قرآن می‌فرماید کسانی که مورد ظلم واقع شده‌اند، خداوند اجازه می‌دهد که بجنگند.^۶ قرآن به پیامبر توصیه می‌کند که از کافران اطاعت نکند، بلکه با آنها جهاد کند.^۷ اگر پیمان‌شکنی کردند و دین شما را به تمسخر گرفتند، با پیشوایان کفر بجنگید؛ زیرا آنان به پیمان خود پای‌بند نیستند.^۸ گاهی فراتر می‌رود و دستور سخت‌گیری بر کفار و منافقان را می‌دهد.^۹ هشدار می‌دهد که مبادا توجه به دشمنان دوردست، شما را از دشمنان کنار خودتان غافل کند. آنان باید شدت و خشونت را در شما احساس کنند.^{۱۰} دستور می‌دهد که برای مقابله با دشمن، هر نیروی ممکن را فراهم کنید تا دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید.^{۱۱} نیروهای رزمنده خود

۱. قَالُوا حَرْقُوهُ وَ انْضُرُوا آلِهَتَكُمْ... انبیاء: ۶۸

۲. يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَيَّ اِبْرَاهِيمَ... انبیاء: ۶۹

۳. وَيُنذِر لِّلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ... ابراهیم: ۲

۴. وَ مَنْ يُشَاقِقِ اللّٰهَ فَاِنَّ اللّٰهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ. حشر: ۴

۵. برای بررسی این آیات، ر.ک: کلید واژه‌های قتال و جهاد.

۶. اِذْنًا لِّلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِاَنَّهُمْ ظَلَمُوا... حج: ۳۹

۷. فَلَا تَطْعَمُ الْكٰفِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيْرًا... فرقان: ۵۲

۸. وَ اِنْ نَكَثُوْا اَيْمٰنَهُمْ مِنْۢ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَ طَعَنُوْا فِيْ دِيْنِكُمْ فَقَاتِلُوْا اٰيْمَةَ الْكٰفِرِ... توبه: ۱۲

۹. جَاهِدِ الْكٰفِرَ وَ الْمُنٰفِقِيْنَ وَ اَعْلُظْ عَلَيْهِمْ... توبه: ۷۳

۱۰. يَا اَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا قَاتِلُوْا الَّذِيْنَ يَلُوْنَكُمْ مِنَ الْكٰفِرِ وَ لِيَجِدُوْا فِيْكُمْ غِلْظَةً... توبه: ۱۲۳

۱۱. وَ اَعِدُوْا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُوْنَ بِهٖ عَدُوَّ اللّٰهِ وَ عَدُوَّكُمْ... انفال: ۶۰

را تشویق کنید و بدانید اگر ده نفر از شما، شکیبایی پیشه کنند، بر دویست نفر از دشمنان غلبه خواهید کرد.^۱
ب) مجازات‌های اسلامی: در اسلام مجازات‌هایی مانند زندانی کردن زنان خلاف‌کار،^۲ تنبیه کردن [حد زدن] مردان و زنان خطاکار،^۳ اعدام یا تبعید کسانی که با خدا و پیامبر می‌جنگند و در زمین فساد می‌کنند یا بریدن دست و پای آنها^۴ و قطع کردن دست دزد^۵ و مجازات‌هایی همانند اینها^۶ با صراحت آمده است.

۱۶. نتیجه‌گیری نهایی

- دین اسلام اساساً دین نوعدوستی، محبت، مهرورزی و رفتار حمایتی است.
 - لحن آیات مربوط به رفتار حمایتی، لحن بیان راهبرد دائمی است و بزرگراه زندگی انسان‌ها را نشان می‌دهد، ولی لحن آیات مربوط به پرخاشگری و خشونت، لحن اصلاحی، دفاعی و جراحی جامعه از عفونت‌ها است.
 - مهرورزی و عطف برای همه انسان‌ها و نسبت به تمام بندگان الهی است، لکن خشونت فقط در مورد درصد بسیار کمی از انسان‌ها است که جامعه را به فساد و تباهی می‌کشند.
 - مهرورزی، عطف و خوبی کردن به دیگران مطلوبیت ذاتی دارد، ولی خشونت و پرخاشگری مطلوبیت ذاتی ندارد، مگر در حد ضرورت و برای دفع فساد و اصلاح فرد و جامعه.
 - در اسلام، انجام رفتار حمایتی به خاطر تقویت ابعاد روانی همانند اعتماد به نفس و فراهم‌سازی زمینه رشد در افراد جامعه مورد تأکید است، ولی اعمال پاره‌ای از سختگیری‌ها، مجازات و تنبیه‌ها صرفاً به خاطر جلوگیری از مفاسد اجتماعی و رفع موانع رشد و اعتلای جامعه انسانی است.

منابع

منابع فارسی

× قرآن مجید (با ترجمه محمد مهدی فولادوند). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

۱. بِأَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ. انفال: ۶۵

۲. وَ اللَّاتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةٌ أَوْ خَمْسَةٌ مِنْكُمْ فَامْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَقَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا. نساء: ۱۵

۳. وَ الذَّانِ يَأْتِيَانَهَا مِنْكُمْ فَادُّوهُمَا... نساء: ۱۶

۴. إِثْمًا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَخُوا مِنَ الْأَرْضِ. مانده: ۳۳

۵. وَ السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا... مانده: ۳۸

۶. گفتنی است خشونت از منظر برون‌دینی نیز به طور مطلق قابل نفی نیست، بلکه بی‌گمان اگر فرد یا جامعه‌ای مورد تجاوز قرار گیرد، خشونت می‌ورزد؛ عرف انسانی در همه جوامع و ملیت‌ها می‌پذیرد که جنگ را باید با جنگ پاسخ گفت و فرد یا گروه متجاوز به حقوق دیگران را باید مجازات کرد. در غیر این صورت، زندگی بشر، سامان نخواهد یافت؛ به بیان دیگر، برای فرار از خشونت نامعلوم و تابع قدرت بیشتر، باید به خشونت معلوم و تابع قانون تن داد و این دیدگاه، به دین و دین‌داران اختصاص ندارد.

۱. ارونسون، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه: حسین شکرکن، تهران، رشد، ۱۳۶۶.
۲. برکویتس، لئونارد، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه: محمدحسین فرجاد، تهران، اساطیر، ۱۳۷۲.
۳. رحمتی، محمدصادق، روان‌شناسی اجتماعی معاصر، قم، سینا، ۱۳۷۱.
۴. کریمی، یوسف، روان‌شناسی اجتماعی، تهران، ۱۳۷۳.
۵. کلاین برگ، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه: علی محمد کاردان، تهران، اندیشه، ۱۳۴۶.
۶. گاردنر، لیندزی و دیگران، مبانی روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه: جواد طهوریان و محمدتقی منشی طوسی، مشهد، آستان قدس، ۱۳۷۶.
۷. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱، ۱۳۷۰.

منابع لاتین

8. Aronson, Elliot, *The Social Animal 6th, Newyork*, (1991).
9. Arthur & Reber, *Dictionary of Psychology*, (1985).
10. Baron, R.P & Byrne, *Social Psychology, Boston*, (1997).
11. Donelson R. Forsyth, *Our Social Workd, 4th*, (1994).
12. Forsyth. Donelson R, *Our Social World, Albany*, (1994).
13. Hewstone, Miles etal, *Blackwell Reader in Social Psychology. oxford*, (1997).
14. Sabini. John, *Social Psychology, 2th, Newyork*, (1994).
15. Malim, Tony, *Socal Psychology, 2th, Houndmills, Macmillan perss*, (1997).
16. Semin, Gun r.etal, *Applide Social Psychology*, London, (1996).
17. Smith R. etal, *Social Psychology*, Newyork, (1995).

The Periodical فصلنامه

روان‌شناسی در تعامل با دین of Psychology

صفحات ۱۰۵ - ۱۳۰ in Interaction With Religion

سال اول، شماره دوم، تابستان ۸۷، Summer 2008، Vol. 1, Issue. 2